فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم/ شماره هفتاد و یکم/ بهار ۱۴۰۳
مشرق موعود
ISSN:2423-7663

تبیین گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در راستای تحقق قیام مهدوی؛ با تأکید بر اندیشهٔ امام خمینی رحمه‌الله علیه *

ایوب پورقیومی[1]
میثم رضائی[2]

چکیده

گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران از جمله تأسیس یک دولت اسلامی، ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی گسترده و انتقال قدرت به مردم، مبارزه با ستم و ظلم و... نقش مهمی در راستای تحقق قیام مهدوی داشته و به ترویج ارزش‌های اسلامی و فرهنگ مهدوی کمک نموده است. در این پژوهش که از نوع کاربردی ـ توسعه‌ای است، با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی و استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، موضوع «گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در راستای تحقق قیام مهدوی با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمه‌الله علیه»، به‌عنوان هدف اصلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق مؤید این است که گام‌ها و ویژگی‌هایی چون ارتباط این قیام با حکومت اسلامی و نظام امامت و امت ضمن توجه و تأکید بر عدالت اجتماعی، توزیع منابع، تقویت وحدت اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی و تحقق اصول اسلامی به تحقق قیام مهدوی کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی

قیام مهدوی، نظام امامت و امت، انقلاب اسلامی ایران، اندیشه‌های امام خمینی رحمه‌الله علیه.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین رویدادهای بزرگ تاریخی در قرن بیستم بوده است. این انقلاب با رهبری امام خمینی رحمه‌الله علیه و امیدواری به ظهور مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مداومت داشت و خود را در چارچوب ایدئولوژی قیام مهدوی قرار داد. قیام مهدوی به عنوان یکی از اعتقادات اسلامی با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام به فرایندی تحقق یافته است که در آن امام زمان علیه‌السلام به عنوان حاکم عادل و مهربان در سراسر

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام (نویسنده مسئول)(ghayoomi@gmail.com).
۲. عضو هیئت علمی گروه مهندسی شهرسازی دانشگاه سلمان فارسی کازرون(m.rezaei@kazerunsfu.ac.ir).

جهان خواهد ظهور کرد و دیکتاتوری‌ها و نظام‌های ناعادلانه را به زیر پا خواهد گذاشت. انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر این اعتقاد، با هدف تحقق قیام مهدوی پیش می‌رود.

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، رهبر روحانی و سیاسی انقلاب اسلامی، در اندیشه‌اش به رسالت تحقق قیام مهدوی پرداخته و گام‌های نظری و عملی را برای تأمین زمینه‌های مناسب برای ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ترسیم کرد. او از تفسیر قرآنی و حدیثی استفاده کرده و بر عدالت اجتماعی، توزیع منابع، وحدت اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی تأکید کرد. همچنین، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری با تأکید بر اصول اسلامی برای ایجاد ساختارهای مناسب جهت رسیدن به قیام مهدوی مورد توجه قرار گرفت.

پس از انقلاب اسلامی، گام‌های عملی برای تحقق قیام مهدوی اندیشیده و مورد توجه قرار گرفت. ایجاد نظام اسلامی با ساختار مناسب جهت اجرای اصول اسلامی، تقویت نهادهای دفاعی و امنیتی برای زمینه‌سازی تمدن مهدوی و ترویج مبانی فرهنگی و اخلاقی اسلامی جهت تربیت نیروی انسانی، گام‌های عملی در راستای تحقق قیام مهدوی بوده‌اند.

مسئله‌ای که در این‌جا مطرح می‌شود، مربوط به تبیین گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران برای تحقق قیام مهدوی با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه است. به عبارتی، بررسی و تبیین گام‌هایی که از این منظر در انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به هدف نهایی یعنی تحقق قیام مهدوی برداشته شده و شناخت و تحلیل عوامل، ایدئولوژی‌ها و رویدادهایی که در این فرآیند نقش داشته‌اند، مسئله این تحقیق است.

معرفی انقلاب اسلامی ایران و ایدئولوژی قیام مهدوی

نظام اسلامی حاکم بر ایران که ثمرهٔ انقلاب اسلامی است از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب تلاش کرده است با اجرای قوانین اسلامی و تبلیغ باورهای مذهبی، روح دینداری را در مردم زنده نگاه دارد و جان تازه‌ای به آن ببخشد. هدفی که در کلام و رفتار دست اندرکاران فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه در این چند سال بر آن تأکید شده، اندیشهٔ مهدوی است. این اندیشه به عنوان راهنمای عمل برگزیده شده است تا اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی جامه واقعیت به تن پوشد و در واقع جامعه‌ای هم تراز و هم شأن با جامعه‌ای که مورد نظر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام بوده است، برپا شود؛ جامعه‌ای که زمینه‌ساز ظهور ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باشد. مهدویت همواره به‌عنوان رمز حیات و هویت شیعه در قرون و اعصار مطرح بوده است. جامعه و دولت منتظر، با زنده نگه داشتن شعلهٔ انتظار

مصلحانهٔ فرج، باید الگویی مناسب برای اقوام و ملل سرگردان دنیا ارائه دهد که امروزه از آن به عنوان دکترین مهدویت یاد می‌شود(پورسیدآقایی و همکاران، ۱۳۸۹ش: ۵-۶).

۱. تعریف و شرح قیام مهدوی

با غیبت امام دوازدهم، شیعیان، مسلمانان و همه جهانیان دچار محرومیتی جانکاه و عمیق شدند. شیعه در این عصر با پذیرش مسئولیت تاریخی خود برای خروج از این محرومیت، چشم به راه موعود و عصر ظهور، به انتظار ایستاد، انتظاری که بار سنگین رسالت زمینه‌سازی برای ظهور را با خود به همراه داشت، چرا که انتظار عمل است و برترین عمل‌ها)، جهاد است و بهترین جهادها(افضل جهاد امتی انتظار الفرج). انتظار آمادگی است و زمینه‌سازی(من انتظر امرا تهیأ له)، آمادگی و زمینه‌سازی برای همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها و رهایی از همه حرمان‌ها و محرومیت‌ها انتظار تعهد است و مسئولیت(المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله) و این همه یعنی رسالت بزرگ شیعه و میثاق تاریخی او در غیبت امام در هر صبح و شام[۱] (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸ش: ۱۹).

انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی، انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی است که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است. انقلابی که عمومی، همگانی و جهانی است و تمام شئون و جوانب زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود، در این میان انقلابی که بیش از هر انقلاب دیگری در مسیر انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ولو در سطح منطقه‌ای و ملی قدم نهاده است، انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران نمونه و الگوی بسیار کوچکی از حکومت عدل و داد حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. مبانی فکری و نظری، اهداف و عوامل ایجادکنندهٔ انقلاب، رهبری و چشم‌انداز آیندهٔ آن چیزی است که این دو انقلاب را بیش از پیش به هم شبیه می‌سازد و انقلاب اسلامی ایران در جایگاه نمونهٔ کوچکی از انقلاب جهانی حضرت مهدی مطرح می‌گردد.[۲]

۲. جایگاه و اهمیت قیام مهدوی در انقلاب اسلامی ایران

آئین‌های مذهبی چهلم، عاشورا، اعیاد اسلامی، تولد و شهادت پیشوایان دین، از جمله آئین‌ها و مراسم مذهبی بودند که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند. ایمان به مهدویت، جایگاه والایی در فرهنگ ناب شیعه دارد. شیعه، حیات و بالندگی خود را مدیون آن

۱. انتظر الفرج صباحا و مساء.

2. https://shiastudies.com

است و بر آن اساس زندگی و رشد می‌کند. فرهنگ مهدویت، در شکل‌گیری مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب ایران نقشی مؤثر و انکارناشدنی داشت و ایمان به مهدویت، رمز پیروزی انقلاب اسلامی بود. روحیهٔ انقلابی شیعه، بر پایهٔ اندیشهٔ بنیادین مهدویت شکل گرفته و این دیدگاه است که انتظار طولانی مدت و بازگشت نهایی دوازدهمین امام شیعه برای شکل دادن عصر جدید را تبیین می‌کند(Corman, 2011: 21) ویلیام وات،[1] می‌گوید:

> اعتقاد به امامت و مسئلهٔ انتظار، از جمله ویژگی‌های تشیع‌اند که در اندیشهٔ سیاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می‌کنند. این منجی‌گری، تبدیل به یکی از جنبه‌های اساسی اسلام تشیع شد(بلخاری، ۱۳۷۹ش: ۱۳۰).

اندیشهٔ سیاسی شیعه با آموزهٔ مهدویت همواره پویا و با نشاط بوده و در همهٔ حال نقش اساسی را در قیام مردم ایران ایفا کرده است(تلاشان و همکاران، ۱۳۹۳ش: ۳۳-۳۴).

فوکو[2] اعتقاد به امام زمان علیه‌السلام را موتور محرکهٔ هیجانات اجتماعی شیعه می‌داند و اعتقاد به مهدویت را عاملی می‌داند که مردم را در حالت آمادگی کامل قرار می‌دهد؛ زیرا وقتی انتظار فرج بر هر مسلمان شیعه واجب شد، آنها را در حالت آمادگی کامل قرار می‌دهد. بنابراین، آنها برای هر حادثه‌ای آماده خواهند بود؛ به‌ویژه این‌که بر خود واجب می‌دانند زمینهٔ ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را فراهم کنند؛ پس نه تنها در آمادگی کامل قرار دارند، بلکه اقدام به اصلاح نیز در سرلوحهٔ امورشان قرار دارد. مردم شیعهٔ ایران، برای رسیدن به این آرمان، انقلاب خود را رقم زدند(فوکو، ۱۳۷۵ش: ۳۶-۳۷).

حامد الگار، اندیشمند مسلمان آمریکایی، اعتقاد به مهدویت را یکی از عوامل زمینه‌ساز انقلاب ایران ذکر می‌کند و می‌گوید:

> ریشهٔ انقلاب، به موضوع امامت در دیدگاه شیعه و مسئلهٔ غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و پیامدهای سیاسی آن عقیده ارتباط دارد که تجلی عینی اعتقاد به نیابت است(تلاشان و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴).

اسکاچپول نیز با توجه به مذهبی بودن انقلاب اسلامی ایران، به نقش اسلام شیعی در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و تمایلات شیعی را در انقلاب ایران، از جمله عوامل قاطع و انکارناپذیر برمی‌شمارد و می‌نویسد: اقتدار مشروع در اجتماع شیعه، از دیرباز بین رهبران سیاسی و مذهبی تقسیم شده است؛ به گونه‌ای که هیچ کدام از این رهبران نمی‌توانند به‌طور

1. William Watt
2. Michl Foucauit

صریحی مدعی نمایندگی کامل ارادهٔ امام غائب، یعنی رهبر عالی مقامی که از قرن نهم وارد دورهٔ غیبت شده، باشند(اسکاچپول، ۱۳۸۲ش: ۲۹)، وی نقش امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، به‌عنوان یک کانون مرکزی برای رهبری انقلاب ایران را پژواکی از انتظار مداوم مردم ایران برای ظهور امام دوازدهم می‌داند(همان: ۱۳۴).

به نظر دکتر«حمید عنایت» وجه مشخصه انقلاب اسلامی ایران، نقش اساسی مذهب تشیع در تکوین و تداوم جنبش انقلابی در چارچوب جغرافیای سیاسی ایران است. وی می‌گوید:

> مذهب تشیع، ایدئولوژی ذاتی انقلاب ایران و مهم‌ترین منبع تجهیز ایدئولوژیک جنبش اجتماعی مردم است. زمینهٔ بروز انقلاب بر نوعی رویکرد جمعی به مذهب قرار داشت و به‌ویژه نشانگر اعتقاد عمیق به مبانی مذهب شیعه بود و در واقع، همین خصلت است که انقلاب ایران را از سایر انقلابات معاصر منفک می‌نماید. حمید عنایت، عنوان«احیای مذهب» را برای کل فرایند تحول تفکر سیاسی شیعه در دوران معاصر مطرح کرده و معتقد است که این پدیده اساسا بر محور ارائه تفسیر نوینی از مفاهیم اصلی شیعه متکی است که هدف آن ایجاد نوعی تحرک سیاسی و ظلم‌ستیزی در چارچوب جغرافیای سیاسی و هویت سرزمینی ایران می‌باشد(الهی‌منش و همکاران، ۱۳۹۴ش: ۶).

گام‌های نظری تحقق قیام مهدوی در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه

نقش و تأثیرگذاری شخصیتی چون امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در تاریخ معاصر ایران بی‌بدیل است. نقش‌آفرینی در تحول ساختار سیاسی ایران معاصر از سلطنت به نظام جمهوری اسلامی با رهبری حرکت انقلابی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ در بسیاری جنبه‌های دیگر لزوم توجه جدی به امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و آرا و اندیشه‌های ایشان را در تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه شاخصه‌های اصلی گفتمان جدیدی به نام اسلام سیاسی در ایران است. از این رو فهم تاریخ معاصر ایران در چند دههٔ اخیر فارغ از توجه به گفتمان امام خمینی رحمه‌الله‌علیه میسر نیست؛ زیرا عصر حاضر در نظام جمهوری اسلامی ایران میراث امام خمینی رحمه‌الله‌علیه است و ما در فضایی زندگی می‌کنیم که گفتمان امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در آن حضور زنده و تأثیرگذار دارد و هیچ اندیشه و عمل سیاسی بی‌ارتباط با این گفتمان میسر نیست. گفتمان امام تحول جدیدی در اندیشه سیاسی اسلام به حساب می‌آید که براساس نظام ولایت فقیه استوار شده است. به رغم پیشینهٔ طولانی نظریهٔ ولی فقیه در اندیشهٔ سیاسی شیعه تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، چنین نظریه‌های به شکل عملی به حیات سیاسی و فکری جامعهٔ اسلامی وارد نشده بود. امام با

بهره‌گیری از سنت اسلامی گذشته و اجتهادی مبتنی بر زمان و مکان و تبیین شفاف‌تر موضوعات جدید چون نقش مردم در زندگی سیاسی، نظام پارلمانی و نقش و جایگاه آن در قانون‌گذاری و بسیاری دیگر، خود سرآغاز تحول جدیدی در اندیشهٔ سیاسی شیعه شد(شمسا، ۱۳۹۰ش: ۱).

ولایت فقیه، نظریهٔ سیاسی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه است. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه این نظریه را در سال ۱۳۲۳ در کتاب ***کشف الاسرار*** مطرح کردند. امام خمینی مطابق نظریهٔ ولایت فقیه هدف عالی حکومت پیشنهادی خود را عدالت خواندند و خواهان رژیمی شدند که بر پایهٔ عدالت باشد و ایشان تصریح کردند که عدالت جزء ذاتی هیچ‌کدام از رژیم‌های موجود دنیا نیست و تنها عدالت در حکومت اسلامی ممکن است. ولایت فقیه نظریه‌ای است که ریشه در اعماق سیاسی فقه شیعه دارد و در غیاب امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ولایت فقیه تنها ولایت و حاکمیت ذاتا مشروعی است که برای شیعیان قابل تصور است و هرنوع حاکمیتی غیر از آن، مصداق حاکمیت طاغوت است(شمسا، ۱۳۹۰ش: ۱-۲).

از مهم‌ترین فرازهای بیانات حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه درباره حضرت مهدی علیه‌السلام به این حقیقت اشاره شده است که در دیدگاه ایشان حضرت مهدی علیه‌السلام از خاندان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و وارث علم و رسالت، ذخیرهٔ الهی و ظاهرکنندهٔ تمام شریعت خداوند، مکمل دین پیامبران ابراهیمی و منجی امت‌های آخرالزمان است. از منظر حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه هرچند اعتقاد به ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در معارف شیعی نمود ویژه‌ای یافته، اما این مسئله، مسئله‌ای اسلامی است و شیعه به آن اختصاص ندارد. همچنین از نظر امام خمینی رحمه‌الله‌علیه ولایت و امامت اوصیای معصوم علیهم‌السلام با پیشوایی ایشان به خاتمیت می‌رسد و انتظار در نگاه ایشان "تکلیفی اعتقادی و اجتماعی" معرفی می‌شود(هدایتی، ۱۳۸۷ش: ۵۵).

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در پاسخ به کسانی که تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت را باطل می‌دانند، استدلال می‌کند که آنچه در منابع دینی مردود شمرده شده است ادعای مهدویت است و نه تشکیل حکومت و لازمهٔ چنین دیدگاهی، یعنی نفی حکومت، فساد عمومی در جامعه است(موسوی خمینی، ۱۳۷۱ش: ج۲۱، ۱۵). امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در نظریهٔ ولایت فقیه خود، ادلهٔ عقلی و نقلی متعددی را در ضرورت و مشروعیت حکومت اسلامی در عصر غیبت ارائه می‌دهد (ر.ک: به امام خمینی، ولایت فقیه)؛ روشن است که از منظر امام، تشکیل حکومت مقدمهٔ ضروری شکل‌گیری و توفیق حرکت جهان‌گرایی اسلامی است.

۱. تفسیر قرآنی و حدیثی درباره قیام مهدوی

استنادات قرآنی و روایی فراوانی برای جهان‌شمولی، جهانگیری و جهانداری اسلامی وجود دارد(حجر: ۳۶-۳۸؛ صف: ۹؛ نور: ۵۵)﴿هو الذی أرسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون﴾(توبه:۳۳)، ﴿ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون﴾(انبیاء: ۱۰۵)، ﴿ونرید أن نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض ونجعلهم أئمة ونجعلهم الوارثین﴾(قصص: ۵)؛ آیاتی همچون موارد فوق، با قاطعیت تمام، بر گسترش جهانی ایمان اسلامی، غلبهٔ قطعی صالحان و کوتاه شدن دست ستم‌کاران و جباران اشاره دارد(مطهری، ۱۳۸۰ش: ۱۳-۱۴). در روایات، تحقق استقرار کامل دین در جهان و حاکمیت صالحان و مستضعفان، به حکومت جهانی اسلام توسط امام دوازدهم شیعیان تفسیر شده است. در منابع روایی به مبانی جهان‌شمولی، جهان‌گرایی، چگونگی تحقق نظام جهانی اسلامی، ویژگی‌های آن و محقق‌کنندگان این وعده پرداخته شده است(به نقل از: پروانه، ۱۳۸۷ش: ۲۲۱).

۲. ارتباط قیام مهدوی با حکومت اسلامی و امامت

از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله حکومت اسلامی بنابر ضرورت حکم عقل و شرع برپا شده است. ایشان معتقدند که تأسیس حکومت اسلامی در مقابل اندیشهٔ آنارشیستی است؛ زیرا هر آن کس که فاقد فلسفهٔ سیاسی باشد، هرج و مرج خواه و منکر ضروریات عقل و شرع است. بدین ترتیب، امام خمینی رحمه‌الله پذیرفته است که حکومت در دوران غیبت ضروری است و وضعیت بی‌حکومتی و هرج و مرج در هیچ دوره‌ای مطلوب محسوب نمی‌شود؛ لذا همان‌گونه که در زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام مطلوب نبوده است، در زمان کنونی و عصر غیبت نیز نامطلوب است. پس نه تنها دورهٔ غیبت فاقد فلسفهٔ سیاسی نیست، بلکه مهم‌تر آن‌که اسلام فلسفهٔ سیاسی متمایزی دارد. حکومت ولایت فقیه تأسیس یافته بر پایهٔ همان فلسفهٔ سیاسی اسلام است. فلسفهٔ سیاسی اسلام، امامت است. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در جای‌جای دوران بعثت به آشکارسازی فلسفهٔ سیاسی امامت مأمور شدند که مهم‌ترین آن اوقات، واقعهٔ غدیر خم بوده است. امام خمینی رحمه‌الله در یکی از سخنرانی‌های ماندگارشان(۱۳۶۵/۰۶/۰۲) فلسفهٔ سیاسی امامت را تبیین کرده و غدیر را محکم‌ترین سند در اثبات امامت دانسته است(مهدوی‌زادگان، ۱۳۹۴ش: ۱۸-۱۹).

از نظر امام خمینی رحمه‌الله اگرچه فقهای جامع‌الشرایط در امامت سیاسی با حضرات

معصومین علیهم‌السلام مشارکت دارند، اما امامت کلی و معنوی یا همان امامت تکوینی مختص معصومین علیهم‌السلام است؛ در عین حال، در عصر غیبت کبری فقهای جامع‌الشرایط دارای نیابت در امر ولایت سیاسی هستند. ولایت فقیه در امتداد ولایت سیاسی معصومین علیهم‌السلام و در امور سیاسی به همان اندازهٔ ولایت سیاسی معصومین، مشروعیت‌بخش است، به طوری که اگر اذن شرعی فقیه نباشد، حاکمیت طاغوت می‌شود. بنابراین از نظر امام خمینی رحمه‌الله دورهٔ غیبت کبری، عصر بلاتکلیفی نیست و ما نسبت به امر سیاسی تکلیف داریم و آن برپایی حکومت اسلامی است، تا مقدمه‌ای برای ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باشد. شیعیان در حال انتظار فرج، برای قدرت سیاسی اسلام خدمت می‌کنند. دلیل این تکلیف، اعتقاد به فلسفهٔ سیاسی امامت در عصر غیبت است. استمرار امامت سیاسی در غیبت، ما را به برپایی حکومت اسلامی تکلیف کرده است. فلسفهٔ سیاسی امامت برای مقابله با ظلم و استبداد ارزش می‌نهد و با تفسیر انتظار فرج به معنای دست روی دست گذاشتن مخالف است (همان: ۲۰).

امام خمینی رحمه‌الله با این بیانات درصدد آشکار کردن معنای واقعی انتظار فرج بودند. به عقیدهٔ ایشان دست روی دست گذاشتن، خانه‌نشینی و تسبیح به‌دست گرفتن، بی‌تحرکی است و چنین کارهایی را نمی‌توان از انتظار فرج استنباط کرد. انتظار فرج، همگان را به حرکت و اقدام عملی و مبارزهٔ سیاسی دعوت می‌کند. در انتظار فرج، طلب سیاسی نهفته است و از همین روست که پیروان امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز تمنا و طلب برپایی حکومت عدالت‌گستر جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام را دارند. هرجا طلب سیاسی باشد، فلسفهٔ سیاسی هم هست؛ چرا که بحث فلسفهٔ سیاسی، بحث از حکومت مطلوب است و انتظار فرج فاقد فلسفهٔ سیاسی از اساس بی‌معنا است. یعنی نمی‌توان انتظار فرج داشت و فاقد فلسفهٔ سیاسی بود؛ این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند و جداشدنی نیستند. فلسفهٔ سیاسی در زمان انتظار فرج با فلسفهٔ سیاسی عصر حضور هیچ تفاوتی ندارد؛ زیرا دورهٔ حضور و غیبت تفاوت جوهری ندارند تا موجب اختلاف فلسفهٔ سیاسی شوند. همان‌طور که «امامت» فلسفهٔ سیاسی عصر حضور است، در دورهٔ غیبت نیز فلسفهٔ سیاسی امامت پابرجاست. ولایت فقیه نیز با تکیه بر فلسفهٔ سیاسی امامت مشروعیت پیدا می‌کند؛ و در غیر این صورت با حکومت طاغوت هیچ تفاوتی نخواهد داشت(همان: ۲۱).

ایدئولوژی و راهبردهای امام خمینی رحمه‌الله در انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران یکی از معدود انقلاباتی است که سه عنصر اساسی مؤثر در تکوین و تثبیت یک انقلاب در وجود رهبری آن متجلی گردیده است؛ یعنی می‌توان ادعا نمود که

حضرت امام یکی از معدود رهبرانی است که به‌عنوان یک فقیه و دانشمند با طرح نظریهٔ ولایت فقیه، خود نظریه‌پرداز اصلی یک نظام مطلوب، بعد از فروپاشی نظام شاهنشاهی بود. همچنین ایشان به‌عنوان مهم‌ترین استراتژیست انقلاب، طی یک فرآیند چندساله زمینهٔ به ثمر نشستن نظام مطلوب خود و حتی مدیریت حکومت جدید پس از ساقط شدن نظام کهن را راهبری نمود و ایضا با درکی عمیق نسبت به شرایط و تحولات سیاسی، تاکتیک‌ها و ابزارهای متناسب با استراتژی مربوطه را به کاربست(دهقانی، ۱۳۹۴ش: ۴۷). تعدادی از راهبردهای به کار گرفته شده توسط امام خمینی رحمه‌الله‌علیه به شرح ذیل است:

۱. تأکید بر عدالت اجتماعی و توزیع منابع

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه عدالت را یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جوامع بشری در همهٔ اعصار و مکان‌ها می‌داند. تأکید و تکرار ایشان بر مفهوم عدالت و مضامین نزدیک به آن در آثارشان گواه آن است که از یک سو عدالت در نزد امام دارای ارزش زیادی بوده و از سوی دیگر مواردی همانند ظلم، جور و... به شدت مورد نفی و طرح واقع شده‌اند. در صحیفهٔ امام مفاهیمی از قبیل عدالت ۴۲۰ بار، عدل ۳۴۶ بار، محروم ۳۸۹ بار، محرومان ۱۰۵بار، محرومین۸۶ بار، مستضعفان ۳۱۰ بار، مستضعف ۲۵۵ بار، فقیر ۱۳۸ بار، فقرا ۱۲۵ بار، فقر ۱۱۳ بار، و مصادیق مشابه دیگر نیز بارها به شکل اثباتی تأکید و بر لزوم توجه به آنها بسیار توصیه شده است. در کنار این‌ها مواردی همچون جور ۸۳۸ بار، ظلم ۸۱۲ بار، فساد۷۸۲ بار و ستم ۲۰۷ بار، به گونه سلبی ذکر شده و بر حذف و ریشه‌کنی آنها از عرصهٔ جامعه پافشاری گردیده است(آقاپور، ۱۳۸۴ش: ۷۱).

نگرش و توجهی که امام خمینی رحمه‌الله‌علیه به مسئله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی آن داشته‌اند، بیانگر این امر است که عدالت را نه صرفا ملکه یا فضیلتی فردی، بلکه خصلت و حالتی اجتماعی می‌دانند. در این نگرش، عدالت خصلت و ویژگی قوانین سیاسی و اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از آن، خصلت و ویژگی جامعه انسانی است. به عنوان مثال، ایشان یکی از مهم‌ترین و شاید ویژگی اصلی حکومت جمهوری اسلامی را تحقق عدالت می‌دانند:

> در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند... عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند(موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش: ج۶، ۵۲۵؛ به نقل از: ایران‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱ش: ۱۲۴).

همچنین از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله، وضع احکام دین و کلیت دانش فقه و موضوع آن در جهت تحقق عدالت است؛ زیرا احکام همگی اموری ابزاری و وسیلهٔ تحقق عدالت در جامعه‌اند:

> احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می‌باشند، بلکه احکام، مطلوب بالعرض و اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت(ر. ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۹ش: ج۲، ۶۳۳).

۲. تقویت وحدت اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی

یکی از مفاهیم راهبردی در اندیشهٔ امام خمینی رحمه‌الله که علاوه بر ابعاد ملی، جنبه‌های بین‌المللی برای جهان اسلام دارد، وحدت در جهان اسلام است. به اعتقاد امام، مسلمانان برای رشد و تعالی نیازمند وحدت، همبستگی و همدلی هستند و دور شدن از وحدت اسلامی یکی از عوامل استحالهٔ نظام اسلامی و فرایند تمدن‌سازی محسوب می‌شود (جمشیدی‌ها و نیکروش رستمی، ۱۳۹۸ش: ۵۲). امام خمینی رحمه‌الله، وحدت و اتحاد را اجتماع و باهم بودن در امری واحد می‌دانند(دانشیار، ۱۳۹۳ش: ۹). ایشان مسلمانان را به مثابهٔ دست واحد دانسته که همه در مسئولیت عمومی یکسان هستند، لذا تفرقه جویی در میان ملت‌های اسلامی هیچ‌گونه جایگاهی ندارد:

> مسلمین به‌حسب دستور خدای تبارک و تعالی، ید واحده‌اند نه دو تا دست، ید واحده علی من سواهم. همه مثل این‌که یک دست، باز دو دست هم نفرموده است؛ برای این‌که دو دست هم ممکن است این از این طرف برود، آن از آن طرف. نه، دست واحد، همه‌شان مثل دست واحد می‌مانند. مسلم این‌طوری است و اگر مسلمین این‌طور باشند که آن‌طور وحدت باهم داشته باشند که مثل یک دست باشند، ید واحده باشند، این دیگر آسیب بردار نیست...(موسوی خمینی، ۱۳۷۱ش: ج۱۲، ۴۰۶).

در اندیشهٔ امام خمینی رحمه‌الله عمل به آیهٔ شریفهٔ ﴿واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم﴾ عامل سیادت مسلمین بر قدرت‌های استکباری و استبدادی در جهان است (همان: ج۱۶، ۳۹). از این رو، امام راحل رحمه‌الله در وصیت‌نامهٔ سیاسی ـ الهی خود، به دولت‌ها و ملت‌ها و نخبگان جوامع اسلامی توصیه می‌کنند:

> وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام است، کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد، قیام کنید و

علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت، پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است، بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند، دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. اگر این برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگ‌ترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود(همان: ج۲۱، ۳۰۹).

۳. تحقق اصول اسلامی در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری

امام براساس معرفت شناسی فلسفی و دینی خود اعتقاد دارد که خداوند علم حضوری به تمام هستی دارد و عالم در محضر خداست. از آن‌جا که خداوند خالق انسان است و مصالح و مفاسد بندگان را از خود آنها بهتر می‌داند، براساس فطرت انسان‌ها، قانون وضع می‌نماید و از آن‌جا که فطرت انسان همواره او را به سمت کمال رهنمون و از نقص او را دور می‌نماید، لذا قانونی که خداوند تبارک وتعالی وضع می‌نماید، برای تمام اعصار و نسل‌ها خواهد بود و بشر بما هو بشر، می‌تواند در کلیهٔ قرون از آن قانون در راستای به کمال رسیدن استفاده نماید. بدین‌خاطر است که اسلام دین کامل می‌باشد و قواعد و قوانین آن نیز برای تمام ابنای بشار خواهد بود و از آن‌جا قوانین الهی اسلامی مطابق با فطرت و حقیقت وجودی انسان می‌باشد، لاجرم برای همیشه و همهٔ زمان‌ها لازم‌الاجرا و الاتباع خواهد بود و بدین‌سان به سمت و سوی نسخ و فسخ نمی‌رود. از این رو«حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه». امام در این مطلب به آیهٔ سه سورهٔ مائده تمسک می‌جوید و معتقد است که براساس مضمون این آیه دین اسلام دین کامل و اتم و اکمل است و از این رو مصون از ابطال و نسخ خواهد بود(شیرخانی، ۱۳۹۸ش: ۱۳۳).

امام خمینی رحمه‌الله به عنوان نظریه‌پرداز حکومت حاصله از انقلاب اسلامی ایران و رهبر انقلاب، تأکید ویژه‌ای بر تدوین قانون اساسی بر مبنای آموزه‌های اسلامی داشتند، لذا ایشان به مناسبت‌های مختلف، ضمن تأکید بر ضرورت تأسیس نهاد قانون، محتوا و درون‌مایهٔ آن را مورد توجه قرار می‌دهند و قانون اساسی مطلوب جمهوری اسلامی ایران را، قانونی منطبق بر شریعت اسلام و پذیرش مردم می‌دانند. ایشان در این رابطه معتقدند:

قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صددرصد براساس اسلام باشد. و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آرا اکثریت قریب به اتفاق ملت است(موسوی خمینی، ۱۳۷۱ش: ج۹، ۳۰۸).

گام‌های عملی در راستای تحقق قیام مهدوی پس از انقلاب اسلامی ایران

بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران که بر پایهٔ ولایت فقیه سامان یافته، ضمن درهم شکستن دو هژمونی فکری رایج در دنیا یعنی کمونیسم و لیبرالیسم و اقامهٔ حکومت ولایی، چشم جهانیان را به خود خیره و موجبات بیداری و استکبارستیزی را در عالم رقم زده است. همچنین پیشرفت‌های کمی و کیفی کم‌نظیر ایران در حوزه‌های علمی و تکنولوژیک، باعث شد که صدای شیپور استکبار در باب تعارض علم، دین و حکومت برای گوش جهانیان کم اثر یا بی‌اثر گردد و از سوی دیگر گفتمان تعاضد دین و دنیا و الگوی حکومت دینی و ولایی رو به گسترش نهد(پوررستمی، ۱۳۸۹ش: ۱۳۰).

امام خمینی رحمه‌الله در راستای ارتقای سطح معرفتی یاران و افزایش آمادگی آنان، به اهداف بلند انقلاب اسلامی پرداخت و تصریح نمود:

> به جمهوری اسلامی که ثمرهٔ خون پدران‌تان است، تا پای جان وفادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم‌الاوصیا و الاولیا، حضرت بقیة‌الله ـ روحی فداه ـ فراهم‌سازید(موسوی خمینی، ۱۳۷۱ش: ۳۸).

بر این اساس، امام راحل؛ ابلاغ دکترین حکومت ولایی و صدور آن را در میان جهانیان، زمینه‌ساز ظهور می‌دانست و در جای دیگر می‌فرمود:

> مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران نقطهٔ شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ـ ارواحنا فداه ـ است که خداوند بر همهٔ مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در ادارهٔ هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند(همان: ۳۲۷).

به‌طور کلی تعدادی از اقدامات عملی انقلاب اسلامی ایران جهت تحقق قیام مهدوی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. تشکیل نظام اسلامی و ساختارسازی مناسب

زمینه‌سازی ظهوربه معنای ایجاد مقدمات ظهور است، با اعتقاد به این‌که آمادگی در تحقق ظهور تأثیر دارد. در این برداشت، وجود عنصر معرفت و اخلاق در فرد، لازم است؛ ولی کافی نیست. همچنین هدف زمینه‌سازی، پذیرش امر ولایت معصوم است؛ ولی امور دیگر نیز وجود دارد که ذکر نشده است. گفته می‌شود مقدمات ظهور، هم به زمینه‌های فردی ربط دارد و هم به زمینه‌های اجتماعی. اصلاح فرد بدون اصلاح جامعه کفایت نمی‌کند. به‌علاوه، زمینه‌سازی، هم باید به پذیرش ولایت معصوم بینجامد و هم به تحقق دولت کریمه، حاکمیت جهانی و تعالی همه‌جانبهٔ انسان‌ها با نقش‌آفرینی در تحولات. از طرف دیگر تشکیلات زمینه‌ساز ظهور با اجتماع به مفهوم کلی آن تفاوت دارد. در اجتماع، افراد و نهادها حضور دارند و روابط اجتماعی برقرار است؛ ولی به صورت تشکیلاتی و منسجم و هدفمند نیست. جوامع دینی، لزوما تشکیلاتی نیستند؛ چون ممکن است نسبت افراد با یکدیگر، تعریف شده و اهداف و فعالیت در راستای اهداف و فعالیت‌های خاص نباشد. تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، تمام فعالیت‌های خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که امام در راستای محوری و بسط ید معصوم باشد. فعالیت‌های دینی متعدد، همین طور فعالیت‌های تشکیلاتی متعدد می‌توان انجام داد؛ ولی در تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، فعالیت‌هایی تعریف می‌شوند که نسبت به فعلیت ظهور، حالت بالقوه داشته باشند و مستقیما بتوانند در تحقق ظهور تأثیر بگذارند(هدایت‌نسب، ۱۳۹۹ش: ۵۲-۵۳).

از نمودهای آشکار انقلاب اسلامی و نقش بیدارکنندهٔ آن، بعد سیاسی و اجتماعی آن بود که در کشورهای مختلف و به‌ویژه در کشورهای اسلامی اتفاق افتاد، زیرا اگر تا پیش از انقلاب اسلامی، دین اسلام تنها یک ایدئولوژی مذهبی و معنویت‌گرا تلقی می‌شد، اما انقلاب ایران، جنبه‌های بالقوهٔ سیاسی آن را به فعلیت درآورد و تفکر شیعی با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که قابلیت تبدیل به یک الگو و مدل جدیدی از نظام سیاسی موفق را دارا می‌باشد (آل‌نبی، ۱۳۹۶ش: ۱۴۹). انقلاب اسلامی ایران به عنوان تشکیلات زمینه‌ساز ظهور، یک نوع سازمان به معنی جامعه‌شناختی آن است که ساختار، نسبت اعضا، نوع فعالیت و اهداف آن را زمینه‌سازی ظهور به عنوان تکلیف دینی و نیز ضرورت شیعه‌گری تعیین می‌کند. وجود فواید و ویژگی زمینه تشکیلات‌های زمینه‌ساز ظهور از جمله تشکیلات انقلاب اسلامی، سبب تمایز مفهومی آن نسبت به سایر مدل‌ها شده است. فواید و ویژگی‌های تشکیلات که امور فردی را به امور جمعی تبدیل می‌کنند آن‌گاه، که در حوزهٔ عمل تحقق می‌یابد، به طور مستقیم در تحقق ظهور نقش دارد و جامعه عصر غیبت را به جامعهٔ عصر ظهور پیوند می‌زند. تشکیلات زمینه‌ساز

ظهور انقلاب اسلامی، در حقیقت رابط و واسط میان عصر غیبت و ظهور است و عامل اساسی در برون‌رفت شیعیان از وضع غیبت و ایجاد فرج جهانی می‌باشد(هدایت‌نسب، ۱۳۹۶ش: ۶۱).

۲. تقویت نهادهای دفاعی و امنیتی

امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران متناسب با مبانی اسلامی پذیرفته شده در سیاست‌های کلی نظام و ابتنای حرکت براساس آن، در مقامی متفاوت با مبانی امنیت ملی در غرب است؛ از این رو حوزهٔ امنیت ملی به عنوان یکی از حوزه‌های امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مطرح است و توجه به امنیت امت‌های اسلامی مفهوم امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را در مرزهای وسیع‌تری در مقایسه با دولت کشورهای غربی قرار می‌دهد. مفهوم امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را در مرزهای وسیع‌تری در مقایسه با دولت کشورهای غربی قرار می‌دهد (اسماعیلی و بالایی، ۱۳۹۴ش: ۲۲).

مهدویت در مباحث دفاعی و امنیتی دارای کارکرد ایدئولوژیک و عملی است. همان‌طور که بعد از انقلاب اسلامی و در هشت سال دفاع مقدس اثرات محسوس اعتقاد به مهدویت و ظهور حضرت قابل مشاهده بود، در دوران کنونی که کشورهای غربی و مخالف فرهنگ اسلامی و باور به مهدویت درصدد کمرنگ کردن و تضعیف اعتقاد مبنایی شیعه یعنی مهدویت هستند و در این راه از تمام توان رسانه‌ای و تبلیغاتی استفاده کردند، تبیین همه‌جانبهٔ اندیشهٔ مهدویت و ارایه آن امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. برای تبیین بعد سیاسی اندیشه دفاعی ـ امنیتی مهدویت و نگاه عمیق به مباحث مهمی چون: برقراری صلح، امنیت، دشمن شناسی و دفاع و ادارهٔ یک جامعه با امنیت کامل باید به همهٔ ابعاد آن پرداخته شود. در این راستا با توجه به جایگاه مهدویت و اهمیت تبیین مباحث مهدوی و الگو گرفتن برای ادارهٔ جامعهٔ اسلامی و برقراری و حفظ امنیت همه‌جانبه در کشور و تقویت بینش بصیرت، دشمن‌شناسی، تقویت روحیهٔ خودباوری و خداباوری و قطع وابستگی به دشمنان حمایت از محرومان و گسترش اتحاد بین انسان‌ها در حکومت جهانی به همین سبب دارای اهمیت است تا بعد سیاسی اندیشه دفاعی امنیتی مکتب مهدویت به عنوان یک الگوی مطلوب تبیین شود(سعدی آرانی، ۱۳۹۵).

۳. ترویج فرهنگ اسلامی و تربیت نیروی انسانی

از نظر مقام معظم رهبری(مدظله العالی) تربیت انسان، لازمهٔ الگو شدن جمهوری اسلامی برای ملت‌های دیگر اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، می‌خواهد

خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند ـ هم‌چنان‌که قرآن به ما یاد می‌دهد که می‌توان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد ـ اگر می‌خواهد به ملت‌های دیگر کمک برساند، که«کنتم خیر امة اخرجت للناس»، شاهد و مبشر ملت‌های دیگر باشد، خب، طبیعتا نیازهائی دارد: باید انسان های شریف، دانا، با استعدادهای جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوت خطرپذیری، ورود در میدان‌های جدید، بدون هیچ‌گونه عقدهٔ خودکم‌بینی یا خودبرتربینی، انسان‌های دلدادهٔ به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسان‌های صبور، انسان‌های بردبار و حلیم، انسان‌های خوشبین و انسان‌های امیدوار تربیت کنید. اسلام همهٔ اینها را به صورت بستهٔ کامل در اختیار همهٔ معتقدین و مؤمنین خود قرار داده. این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره‌مند شویم، آنها را بچشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید این‌جور انسانی باشد(بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۴/۰۲/۱۳۹۰).

تأثیر و ارزیابی گام‌های نظری و عملی در تحقق قیام مهدوی

روایات اسلامی بر ضرورت زمینه‌سازی امر ظهور و خوش پیمانی با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تأکید دارند. از این رو باید دید مهم‌ترین بایسته‌های نظری و عملی و نافذترین اکسیر در سرعت‌بخشی به فرایند ظهور و رفع موانع آن چیست (پوررستمی، ۱۳۸۹ش: ۱۱۹).

۱. شکل‌گیری جامعه اسلامی و گسترش انقلاب اسلامی در جهان

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمهٔ دوم قرن بیستم، شروع دورهٔ جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده و پیروزی برجسته‌ترین حرکت اسلامی در این دوره، سایر حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام را به تکاپو واداشت. ذکر این نکته ضروری است که میزان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر همهٔ جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه با توجه به اوضاع خاص هر منطقه و نیز قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، درجهٔ تأثیر آن متفاوت بوده است و هر اندازه که ملت ایران در نیل به اهداف انقلابی خود با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته‌اند، به همان نسبت استقبال از این انقلاب گسترده‌تر بوده است. به طور کلی آنچه که بر همگان روشن و واضح است، این است که انقلاب اسلامی ایران تأثیرهای گسترده‌ای را در ورای مرزهای خود داشته و با توجه به پیروان و هواخواهانی که پیدا کرد و به عنوان یک نیروی قابل محاسبه توسط دولت‌های

خارجی و همچنین دولت‌های منطقه عنوان شده است؛ بدان خاطر که«انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه و بین‌المللی، پدیده‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام بود»(اسپزیتو، ۱۳۸۸ش: ۲۴۴). در مجموع تأثیر آن بر سایرین از گرایش و پذیرش ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب تا الگوبرداری شیوه‌ها و روش‌های اتخاذ شده، از جمله گسترش تظاهرات عمومی علیه نظام‌های حاکم، در نوسان بوده که این وضعیت زمینه‌های تهدید سایرین را فراهم آورده است(طاهری، ۱۳۸۷).

به‌طور کلی انقلاب اسلامی ایران یکی از متغیرهای مهمی است که در چند دههٔ اخیر منجر به ایجاد نگرش جدید نسبت به اسلام در جهان شده است. این انقلاب براساس رویکرد فرهنگی درصدد ایجاد همگرایی فرهنگی در میان جوامع اسلامی در جهان می‌باشد و معتقد است که؛ از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند کشورهای مسلمان را به یک انسجام درونی و اجماع جهانی فرا خواند همانا تأکید بر مشترکات دینی و تعامل حول آنها است. از این‌رو دعوت به وحدت اسلامی براساس تعالیم الهی اسلام از طرف بنیان‌گذار انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. این امر در اصول توحید، اسلامی بودن، وحدت و انسجام، عدالت و مبارزه با ظلم و... که برگرفته از اسلام و در بطن ایدئولوژی جمهوری اسلامی است نمود می‌یابد و آرمان‌هایی نظیر اندیشهٔ امامت، بسط عدالت، نابودی ظلم و ستم، نیل به سعادت برای همهٔ انسان‌ها و در نهایت، آرمان جهانی با کانون محوری اسلام را در نظر دارد(ناظمی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۳ش: ۹).

۲. موانع و چالش‌های تحقق قیام مهدوی

قرن‌های متمادی است که مظلومان و عدالت‌خواهان، منتظر ظهور موعودی هستند که حضور مقتدرانه وی به همراه تشکیل حکومت عدل جهانی و نابودی بساط ظلم و بی‌عدالتی، در کتب آسمانی وعده داده شده و امام مهدی علیه‌السلام همان موعودی است که اسلام مژدهٔ ظهورش را داده، اما این ظهور، بی‌زمینه‌سازی، امری نامعقول خواهد بود. با توجه به گستردگی قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و نیز دشمنان آن حضرت که منسجم و سازمان‌یافته در مقابل حضرت هستند، قالب اقدام برای زمینه‌سازی نیز باید متناسب با قدرت دشمن، لحاظ شود. به همین جهت، دولتی که زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت باشد، بهترین گزینه است(کریم‌زاده و ملایی، ۱۳۸۸ش: ۲۰۰).

مهدویت، آرمان بزرگ مؤمنان در طول تاریخ است که همهٔ اهداف انبیا و اولیا را در جامعهٔ بشری اجرا خواهد کرد. این آرمان الهی، جریانی است که انسان‌ها را به نفی هرگونه ظلم و ستم فرا می‌خواند و به‌سوی حق‌طلبی و عدالت‌محوری دعوت می‌کند؛ بنابراین دنیای استعمار ـ که به دنبال سلطه‌گری است ـ این جریان را مانع اصلی در رسیدن به اهداف شوم خود می‌داند؛ از این رو با انواع وسایل و شیوه‌ها، به مبارزه با فرهنگ مهدویت پرداخته و باعث ایجاد چالش‌هایی در مسیر این آرمان الهی گردیده است(خسرو انجم، ۱۳۹۹ش: ۱۱۴).

نظام سلطه جهانی و جبهه استکبار، برای استمرار بخشیدن به نفوذ و تسلط و حفظ منافع نامشروع خود، با دقت فراوان، امکانات و نقاط قوت جهان اسلام را زیر نظر دارد تا آنها را به‌دقت شناسایی کرده و نابود سازد. یکی از این نقاط قوت که در صدر لیست سیاه مورد نظر قرار گرفته است، اندیشهٔ رهایی‌بخش«مهدوی‌باوری» است که در خط مشی مبارزاتی امت مسلمان از جایگاه استراتژیکی برخوردار است. از این رو نظام سلطه، سناریوهای متعددی را جهت تضعیف و نابودی این اندیشه مقدس طراحی کرده و متناوبا به اجرا گذارده است(العمیدی، ۱۳۸۴ش: ۳۱۵).

استعمار با هدف خارج کردن دین از حوزهٔ سیاست و تثبیت نیروهای غرب‌گرا در ارکان سیاست‌گذاری کشورها و نفوذ و تسلط در آنها و با استفاده از ابزار گفتار، نوشتار و تصویر، به انکار، تخریب، تحریف و جایگزین‌سازی پرداخته است و بدین‌وسیله توانسته چالش‌های بسیاری در بحث مهدویت ایجاد کند؛ به‌عنوان مثال در حوزهٔ اعتقادی و فرهنگی، باعث ایجاد چالش برداشت‌های انحرافی گردیده است و همین‌طور چالش استعجال،[1] توقیت، یأس و ناامیدی و... و در حوزهٔ سیاسی و اجتماعی با به وجود آوردن فرقه‌های ضاله و مدعیان دروغین موجب شده است تا جامعهٔ منتظر دچار آفت اختلاف و درگیری، فاصلهٔ میان عالمان دین با مردم، ایجاد فتنه و آشوب در میان مردم، مسئولیت‌گریزی و... گردد و از این رهگذر تا حدودی توانسته است به اهداف جزئی خود برسد. اما از آن‌جا که وعدهٔ خداوند تخلف‌ناپذیر است وارادهٔ خدا بر این تعلق گرفته که حکومت عدل الهی به دست منجی عالم بشریت، امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جهانی گردد، آنها به هدف اصلی خود که حکومت بر کل جهان است، نخواهند رسید(خسرو انجم، ۱۳۹۹ش: ۱۳۰).

مدل مفهومی

۱. استعجال به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آنست.



نتیجه‌گیری

در گفتمان انقلاب اسلامی، تحلیل مسئلهٔ زمینه‌سازی برای ظهور منجی براساس عناصر مادی و نظامی صرف، گمراه‌کننده خواهد بود و در این زمینه، عوامل دیگری از جمله سنت‌های لایزال و ثابت الهی و تأثیر آنها در تحولات تاریخی، قدرت اراده‌های ایمانی و توان آنها برای خلق و تصرف در پدیده‌های اجتماعی، پدیده غیب و نقش آن در تغییر مناسبات برنامه‌ریزی شده و تأکید بر مفاهیم بین‌الاذهانی همچون فطرت و... مطرح است. بنابراین، انقلاب اسلامی به عنوان نقطهٔ عطفی در جریان مهدویت، با تکیه بر ظرفیت‌های نامبرده، رسالت خطیر و الهی خود را زمینه‌سازی انقلاب جهانی و فراهم آوردن مقدمات ظهور قرار داده است. در این راستا، به نظر می‌رسد بایسته‌های انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور چنین است: گسترش و تعمیق فرهنگ انتظار ظهور منجی در سطح جهان، تلاش در روی‌گردانی از ادبیات انفعالی در مسئلهٔ مهدویت و انتظار در باورهای عمومی، گسترش روحیهٔ خداجویی، حقیقت‌طلبی و عدالت‌طلبی.

در این تحقیق تلاش کردیم تا گام‌های نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران در راستای تحقق قیام مهدوی را تبیین کنیم. به این منظور، مبانی اسلامی درباره قیام مهدوی با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمه‌الله مورد بررسی قرار گرفت. امام با تأکید بر عدالت اجتماعی، توزیع منابع، وحدت اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی، مسیری برای تحقق قیام مهدوی ترسیم کرد. پس از انقلاب اسلامی ایران، گام‌های عملی برای تحقق قیام مهدوی اندیشیده و اجرا شد.

تشکیل نظام اسلامی با ساختار مناسب، تقویت نهادهای دفاعی و امنیتی و ترویج فرهنگ اسلامی و تربیت نیروی انسانی بر مبنای ارزش‌های اسلامی از جمله این گام‌ها بودند. این گام‌ها باعث شکل‌گیری جامعه اسلامی و گسترش انقلاب اسلامی در جهان شد و در عین حال با موانع و چالش‌هایی نیز رو به رو شدند. نتیجه آن‌که در تحقق قیام مهدوی، هم‌چنان مسیر زیادی برای پیموده شدن و موانعی جهت مقابله وجود دارد. اما تمامی این گام‌ها، ایده‌آل‌ها و اندیشه‌ها یک هدف مشترک دارند و آن اجرای اراده الهی است. تمامی تلاش‌ها باید به سوی ارتقای فرهنگ اسلامی و تحقق نظام امامت و امت و همچنین عدالت اجتماعی با هدف ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تمرکز کنند. این هدف همواره سزاوار تلاش و جهاد است و برای دست‌یابی به آن باید پژوهش‌ها و تحلیل‌ها ادامه یابند.

پیشنهادات

ـ ترویج فرهنگ اسلامی و آموزش ارزش‌ها و اصول اسلامی در جامعه به عنوان بستری برای تربیت نیروی انسانی مطلوب؛

ـ تأکید بر عدالت اجتماعی و توزیع منابع به صورت منطقی و عادلانه، و ترویج نظام آموزشی مناسب؛

ـ بررسی آسیب‌شناسانه عملکرد عملیاتی گام‌های نظری و عملی در راستای تحقق قیام مهدوی پس از انقلاب اسلامی ایران؛

ـ شناسایی راهکارهای مبارزه با موانع و چالش‌های موجود در مسیر؛

ـ بررسی عملکرد و تأثیر گسترش انقلاب اسلامی در جهان.

منابع

قرآن کریم

۱. اسپوزیتو، جان ال(۱۳۸۲ش)، ***انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن***، ترجمه: محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

۲. اسکاچپول، تدا(۱۳۸۲ش)، «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، ترجمه: محمدتقی دلفروز، ***فصل‌نامه مطالعات راهبردی***.

۳. ایران‌نژاد، ابراهیم؛ جمشیدی، محمدحسین؛ فرشبافیان، احمد(۱۳۹۱ش)، «عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه»، ***مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران***، شمارهٔ اول.

۴. آقاپور، علی(۱۳۸۴ش)، ***بررسی تحقق عدالت اجتماعی پس از انقلاب اسلامی ایران***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: پژوهشکده امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و انقلاب اسلامی.
۵. آل نبی، سیدمحسن(۱۳۹۶ش)، «انقلاب اسلامی آغاز ظهور یا زمینه‌ساز ظهور»، ***فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی***، شمارهٔ ۲۰.
۶. بلخاری، حسن(۱۳۷۸ش)، ***تهاجم یا تفاوت فرهنگی***، تهران: انتشارات بیتا.
۷. پروانه، محمود(۱۳۸۷ش)، «دیالکتیک تنافع(مبتنی بر اندیشهٔ سیاسی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه)»، ***فصل‌نامه دین و سیاست***، شمارهٔ ۱۷ و ۱۸.
۸. پوررستمی، حامد(۱۳۸۹ش)، «حکومت ولایی و زمینه‌سازی ظهور»، ***فصل‌نامهٔ مشرق موعود***، شمارهٔ ۱۳.
۹. پورسیدآقایی، سیدمسعود(۱۳۸۸ش)، «زمینه‌سازی ظهور»، ***فصل‌نامه مشرق موعود***، شمارهٔ ۱۰.
۱۰. پورسیدآقایی، محسن؛ فهمیده قاسم‌زاده، محمد؛ عمرانی، مهدی(۱۳۸۹ش)، «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، براساس مدل SWOT»، ***فصل‌نامه مشرق موعود***، شمارهٔ ۱۵.
۱۱. تلاشان، حسن؛ احمدی، حسن؛ دهقانی، محمد(۱۳۹۳ش)، «نقش مکتب تشیع در پیروزی انقلاب ایران از دیدگاه مستشرقان»، ***فصل‌نامه شیعه‌شناسی***، شمارهٔ ۴۷.
۱۲. جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ نیکروش رستمی، ملیحه(۱۳۹۳ش)، «وحدت و تفرقهٔ امت اسلامی در اندیشهٔ امام خمینی رحمه‌الله‌علیه»، ***دوفصل‌نامهٔ جستارهای انقلاب اسلامی***، شمارهٔ ۲.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی(۱۳۹۰ش)، *بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور*.
۱۴. خسرو انجم، اکرم(۱۳۹۹ش)، «استعمار و چالش‌های مهدویت»، ***نشریه داخلی انجمن علمی پژوهشی مهدویت***، شمارهٔ ۳.
۱۵. دهقانی، جواد(۱۳۹۴ش)، «بازخوانی اصول استراتژی و تاکتیکی امام خمینی . فرآیند رهبری ایشان در تکوین انقلاب اسلامی ایران»، ***فصل‌نامهٔ سیاست***، شماره ۷.
۱۶. سعدی آرانی، مهدی(۱۳۹۵ش)، ***طرح پژوهشی تبیین بعد سیاسی اندیشه دفاعی ـ امنیتی مکتب مهدویت***، استاد راهنما: دکتر عباسعلی فرزندی.
۱۷. شمسا، محمد(۱۳۹۰ش)، ***جایگاه ولایت فقیه در اندیشهٔ امام خمینی رحمه‌الله‌علیه***، طرح پژوهشی، مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۸. طاهری، سیدمهدی(۱۳۸۷ش)، «انقلاب بیدارساز: نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام»، ***فصل‌نامه پگاه حوزه***، شمارهٔ ۲۴۸.
۱۹. العمیدی، سیدثامر هاشم(۱۳۸۴ش)، ***در انتظار ققنوس***، ترجمه: مهدی علیزاده، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، چهارم.
۲۰. فوکو، میشل(۱۳۷۵ش)، ***ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند***، تهران: نشر نی.
۲۱. کریم‌زاده، اصغر؛ ملایی، حسن(۱۳۸۸ش)، «بررسی رسالت‌ها و راه‌بردهای فرهنگی ـ تربیتی دولت زمینه‌ساز»، ***فصل‌نامه مشرق موعود***، شمارهٔ ۱۰.
۲۲. مطهری، مرتضی(۱۳۸۰ش)، ***قیام و انقلاب مهدی*** علیه‌السلام، تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله(۱۳۷۱ش)، ***صحیفه***، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
۲۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله(۱۳۷۷ش)، ***ولایت فقیه***، تهران :مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، هفتم.
۲۵. مهدوی‌زادگان، داود(۱۳۹۴ش)، «امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و فلسفهٔ سیاسی انتظار(ولایت فقیه؛ دولت انتظار)»، ***فصل‌نامه سیاست متعالیه***، شمارهٔ ۱۱.
۲۶. ناظمی اردکانی، مهدی؛ داودی، مهدی؛ امامی، احمدعلی(۱۳۹۳ش)، «آرمان جهانی اسلام در اندیشهٔ فرهنگ انقلاب اسلامی»، ***فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست***، شمارهٔ ۹.
۲۷. هدایت‌نسب، نسترن(۱۳۹۹ش)، «تبیین مفهوم تشکیلات جامعهٔ زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف»، ***فصل‌نامه مطالعات مهدوی***، شمارهٔ ۵۰.
۲۸. الهی‌منش، محمدحسن؛ حسینی، سید محمدامین؛ هاشمی، راضیه(۱۳۹۴ش)، «نقش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در هویت‌بخشی جغرافیای سیاسی ایران»، ***فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی***، شماره ۲۳.
29. Jeffry R. Halverson & Steven R. Corman, "Egypt and Iran", *A tale of two*, 21/02/2011
30. https://shiastudies.com